



بررسی مفهوم قلمرو برای زائرین ساکن در محله ی نوغان مشهد

فرزانه احمدی

کارشناسی ارشد معماری و مدرس موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری مشهد

F.Ahmadi@eqbal.ac.ir

چکیده

شناخت مخاطب به عنوان کاربر فضا همواره یکی از عوامل موفقیت طراحان در خلق فضاهای کارآمد و ماندگار است. از این رو با توجه به اجرای چندین ساله ی طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضاع) و تخریب بخش عظیمی از بافت اطراف آن (محله ی نوغان)، این مقاله در پی آن است تا با بررسی نظام قلمرویی زائرین ساکن در محله ی نوغان، به ارائه پیشنهادهایی جهت بازآفرینی بافت بپردازد. روش این تحقیق کیفی است و رویه ی عملی آن استفاده از پرسشنامه باز و مشاهده می باشد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که نظام قلمرویی موجود در محله ی نوغان با توجه به حضور همزمان زائرین (با ویژگی های ادراکی و فرهنگی متفاوت و مدت اقامت کوتاه) در کنار ساکنین شکل خاصی به خود گرفته است. در واقع به سبب این همنشینی قلمرو اولیه برای زائرین محدود شده و قلمرو ثانویه ماهیتی دوگانه، متغیر و سیال به خود گرفته است که کمتر با ابعاد کالبدی تفکیک شده و بیشتر مربوط به ابعاد ادراکی-روانی است.

واژگان کلیدی: قلمرو، زائر، محله ی نوغان.

مقدمه

انسان نیازمند آرامش، احساس امنیت در زندگی خصوصی خود و محترم شمرده شدن قلمرو خویش از جانب دیگران است. سامان دهی محیط زندگی وی، جز از طریق اتخاذ شیوه های صحیح در مشخص ساختن عرصه های خصوصی و عمومی زندگی او و ایجاد سلسله مراتبی دقیق در کلیه زمینه های فضایی، دسترسی و ... میسر نیست. ایجاد چنین ساختاری، احساس تعلق به محیط را به فرد القا نموده، و به سکونتگاه وی هویت می بخشد (بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۷).

شهر مقدس مشهد در قرون اولیه اسلامی از تلفیق شهر باستانی نوغان و روستای همجوارش، سناباد به وجود آمده است. پس از شهادت امام رضا (ع)، با در پیوستن مشهد الرضا و نوغان به هم، تنها نام مشهد شهرت یافت در حالی که کالبد و نام نوغان در جوار مشهد تا امروز و به مدت هزار و دویست سال به حیات خود ادامه داد و امروزه یکی از کهن ترین محلات مشهد است. در پی اجرای چندین ساله ی طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع)، بخش عظیمی از هویت بافت پیرامون حرم مطهر در حال از بین رفتن است. طبعاً محله ی نوغان که در قطاع دو از قطاع های چهارگانه ی این طرح قرار گرفته است از تخریب و نوسازی در امان نمانده است. برغم پیشرفت فیزیکی این طرح در سایر قطاع ها، کمترین میزان دخل و تصرف و پیشرفت، در محله ی نوغان اتفاق افتاد. اکنون با توجه به اینکه محلات مسکونی از کهن ترین میراث های شهرنشینی و نماد تحول نیازهای انسانی در بستر تاریخ هستند، این مقاله بر آن است تا با بررسی مفهوم قلمرو برای زائرین ساکن در محله ی نوغان (به عنوان جزیی تفکیک ناپذیر در بازآفرینی بافت)، به درک مفهوم قلمرو از منظر زائرین این بافت پی ببرد و به تحلیل یکی از ویژگی های منحصر به فرد این بافت - اقامت زائران در خانه های مجاوران منطقه - بپردازد و با توجه به آن به ارائه ی پیشنهاد هایی مبتنی بر نظام قلمرویی بپردازد تا بهسازی و یا بازآفرینی این محله با توجه به وضعیت موجود انجام پذیرد. بدین منظور در ادامه، ابتدا به بررسی مفهوم قلمرو پرداخته می شود. سپس عوامل تأثیر گذار بر آن ذکر می گردد. در ادامه به توضیح نظام قلمروهای انسانی، پرداخته می شود. در نهایت خلاصه ای از پیشینه ی محله ی نوغان ارائه شده و دسته بندی زائرینی که به مشهد مشرف می شوند ذکر می گردد و در بخش یافته ها درک زائرین از مفهوم قلمرو تحلیل می گردد.

مفهوم قلمرو

قلمرو از اساسی ترین نیازهای طبیعی انسان است. فرهنگ دهخدا آن را اسم مرکبی با معنی ملک، مملکت و ولایت متصرفه معرفی می کند؛ در واقع ملک و ولایتی که در آن نوشته قلم پادشاهی رود و مردم آنجا نوشته او را قبول نمایند (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه قلمرو). همچنین قلمرو معادل واژه انگلیسی Territory می باشد. فرهنگ وبستر، این واژه را از ریشه Terra به معنی زمین معرفی می کند و آن را علاوه بر محدوده تحت تملک، معادل زمین یا آب تحت اختیار یک ملت، کشور یا قانون و نیز محدوده مشخص شده برای فضای خاص فعالیت یا جریان فکری می داند (Webster Dictionary, 1977, 1884). آدمی از ابتدای سکونت بر روی زمین، از مفهوم قلمرو به شکل های گوناگون استفاده کرده است؛ برای سرپناه های خود حد و مرز تعیین کرده است، آن ها را نشانه گذاری کرده و به نوعی به محیط اطراف خود شکل داده است. شواهد این نشانه گذاری ها را می توان در غارهایی متعلق به ۳۰۰۰۰ سال پیش مشاهده نمود (راپاپورت، ۱۳۸۲). ایفای نقش فضا و مکان، تنها به حیات بشری محدود نمی شود، بلکه حیات انبوهی از گونه های قلمرو گرا مانند حیوانات را در بر می گیرد (لاوسون، ۱۳۹۱). بررسی و مطالعه رفتار قلمروگرای حیوانات تاریخچه ای طولانی دارد و دل مشغولی پژوهشگرانی چون هاوارد در دهه ۱۹۲۰، کارپنتر در دهه ۱۹۵۰، و نایس از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ بوده است (لنگ، ۱۳۹۱). درک مفهوم قلمرو در زندگی حیوانات ساده تر است (عینی فر و آقلاطیفی، ۱۳۹۰). قلمرو کاملاً فضایی نیست بلکه تا حدود زیادی پدیده ای اجتماعی است. امروزه قلمرو را به عنوان ناحیه ای می شناسند که به طور اختصاصی به تصرف یک یا گروهی از گونه ای خاص درآمدن باشد. همچنین قلمرو پایی مفهوم "بقای اصلح" را نیز شامل می شود؛ طبق این مفهوم، بهترین قلمرو از آن قوی ترین است (لاوسون، ۱۳۹۱).

بررسی مفهوم قلمرو برای انسان ها ریشه در تحلیل های جامعه شناختی زندگی شهری دارد که در دهه ۱۹۲۰ آغاز شد. بدین ترتیب مصاحبه گرانی که درباره ی کارکرد گروه های اجتماعی در مکان هایی عمومی مانند رستوران و مشروب فروشی و محله



ها بررسی می کرده اند به صورت مداوم با قلمروهایی برخورد می کردند که با خیابان ها، مکان هایی در خیابان، و حتی کناره های خیابان مجزا شده بود، به این منظور که گروه هایی خاص اجازه ی ورود به قلمرو گروه دیگر نداشته باشند. این دسته بندی قلمروها به علت تفاوت در ملیت ها و رنگ های نژادی متفاوت استفاده کنندگان و گاه طبقه های اجتماعی بود. این رفتارها نشان دهنده ی آن است که رفتار مربوط به قلمرو و پیامدهای آن مثل مالکیت و دفاع گاه به گاه فعالانه از قلمرو را در تمامی گروه های انسانی می توان مشاهده کرد و رفتار قلمروگرایی فرآیندی پیچیده است که بر حسب شرایط و مقتضیات زمان تغییر می کند (آلتمن، ۱۳۸۲). در تمام این رفتارها دو جز مهم و مشترک وجود دارد که عبارتند از: ۱- قلمرو نه تنها از بعد آسودگی جسمی، بلکه از لحاظ رفاه اجتماعی برای بقای یک گونه خاص بسیار حیاتی است و ۲- قلمرو از راه تأمین، سازماندهی و ساختار بندی فضا به وجود می آید (لاوسون، ۱۳۹۱).

بنابراین می توان گفت که انسان ها همواره در حال تعامل با محیط هستند. در جریان این تعامل، نسبت به فضاهای مختلف تعلقات و احساس های متفاوتی پیدا می کنند. نسبت به بعضی از فضاها مالکیت دارند و آن ها را از آن خود می دانند و ورود افراد به آن را به کنترل می کنند؛ برخی دیگر از فضاها را عمومی پنداشته و به خود حق کنترل آن را نمی دهند. در واقع می توان گفت که قلمرو یکی دیگر از سازوکارهای نظارت بر مرز میان خود و دیگران و ابزاری برای رسیدن به خلوت دلخواه است. اگر خلوت و سازوکارهای مرتبط با آن مورد توجه قرار نگیرند یا به شکلی انعطاف پذیر در طراحی به کار گرفته شود که مرزهای آن سست باشد و یا اگر معنای سلسله مراتب متفاوت فضای شخصی و قلمرو حفظ نگردد، افراد به ناچار آن قدر با محیط کلنجار بروند تا به میزان دلخواه تعامل (از دید خود) دست یابند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱).

عوامل تأثیر گذار بر قلمرو

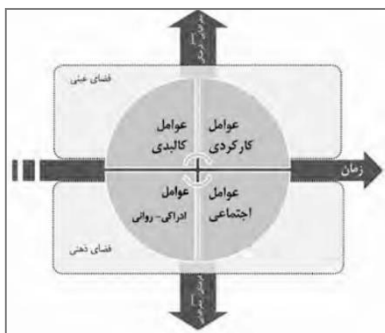
از آنچه تا کنون گفته شد می توان نتیجه گرفت که مفهوم قلمرو، مفهوم ساده ای نیست و با عوامل مختلفی سروکار دارد. با توجه به نظر آلتمن (۱۳۸۲: ۱۳۸) عوامل تأثیر گذار بر قلمرو عبارتند از: انگیزه ها یا نیازهای مختلف، ویژگی های جغرافیایی، واحدهای اجتماعی، زمان استفاده از قلمرو، رفتارها یا واکنش هایی که برای علامت گذاری و دفاع از قلمرو به کار می روند. همچنین بحرینی و تاج بخش (۱۳۷۷) طی پژوهشی ابعاد تأثیر گذار بر قلمرو را ابعاد کالبدی، عملکردی، ادراکی- روانی، فرهنگی و اجتماعی ذکر کرده و برای هر یک از این ابعاد شاخصه هایی ارائه نموده است. در نهایت عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰) عوامل اجتماعی، ادراکی- روانی، کالبدی و کارکردی را از جمله عوامل تأثیر گذار بر قلمرو ذکر می کند؛ به اعتقاد آن ها عوامل جغرافیایی- فرهنگی و عامل زمان بستر تأثیر گذاری عوامل قبلی را فراهم می سازند. در ادامه به شرح این عوامل در قالب جدول ۱ پرداخته شده است.



جدول ۱: عوامل تأثیر گذار بر قلمرو (منبع: نگارنده)

عوامل	پژوهشگر	دیدگاه
عوامل اجتماعی	ادنی (۱۹۷۵)	قلمرو نقشی تثبیت کننده و نظارتی در تمامی سطوح از قبیل سطوح فردی، گروهی و اجتماعی دارد، همچنین سبب تسهیل تعامل اجتماعی می شود و نشانه ها و علائمی را در اختیار دیگران قرار می دهد که سبب قابل تشخیص شدن سلسله مراتب می گردد (آلتمن، ۱۳۸۲).
	لاوسون (۲۰۰۱)	هر قلمرو می تواند شامل واحدهای اجتماعی نظیر گروه ها و نظام های اجتماعی بزرگ باشد؛ زمانی می تواند در حکم مکانی برای روابط اجتماعی ظاهر گردد و یا نشانه ای از هویت افراد را فراهم کند (عینی فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰). همچنین به نظر وی تهدیدهای مشترک هم که سبب اتحاد گروه ها می شود مانند خواسته های مشترک (وجود فضای مشترک به عنوان حریم عمومی) یکی از راه های تقویت روابط اجتماعی است (لاوسون، ۱۳۹۱).
	مک اندرو (۱۳۸۷)	وی نیز معتقد است رفتار قلمروگرایانه از راه نظارت بر تعامل اجتماعی، رابطه ی ما با دیگران را تسهیل می سازد و سبب جلوگیری از تضاد و ارتباط ناخواسته اجتماعی می شود (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱).
	عینی فر و آقا لطفی (۱۳۹۰)	عوامل اجتماعی عبارتند از: برقراری روابط اجتماعی، هویت جمعی، نظارت اجتماعی و مشارکت جمعی (چه در دفاع از حریم قلمرو و چه در فعالیت های اجتماعی)
عوامل کالبدی	بحرینی و تاج بخش (۱۳۷۷)	عواملی از قبیل نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل را تأثیر گذار بر کالبد و جز شاخصه های کالبدی می دانند.
	عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)	از مهم ترین عوامل مورد نظر طراحان معمار و شهرساز هستند و در دسته بندی جامع تری فاکتورهای نظم فیزیکی و بصری، تعادل در محیط های باز و بسته، شاکله کلی محدوده، ساختار مرزبندی کالبدی را به عنوان شاخصه های کالبدی معرفی می کنند.
عوامل کارکردی	بحرینی و تاج بخش (۱۳۷۷)	یکی از اساسی ترین گام ها برای تعیین قلمروها، توجه به نظم سلسله مراتبی عرصه بندی هاست. در تعریف چنین سلسله مراتبی، معانی بسیار مهم تلقی می شوند. در یک دسته بندی جامع می توان فضاها را به صورت فضاهای خصوصی، فضاهای نیمه خصوصی، فضاهای نیمه عمومی و فضاهای عمومی تقسیم بندی کرد.
عوامل ادراکی - روانی	بحرینی و تاج بخش (۱۳۷۷)	با توجه به پژوهش های انجام گرفته شاخصه های تأثیر گذار در عوامل ادراکی - روانی عبارتند از: رابطه ی معنوی، رابطه ی احساسی (حس تعلق به فضا)، خوانایی محیط و احساس امنیت.
عوامل جغرافیایی - فرهنگی	عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)	از تأثیر گذارترین عوامل بر مفهوم قلمرو در محدوده های مختلف، مسائل ادراکی - روانی آن است که به دلیل وجود انسان به عنوان کاربر فضا، اهمیت می یابد. فاکتورهای تأثیر گذار در عوامل ادراکی - روانی را احساس امنیت، حس تعلق به فضا، خوانایی محیط و نیازها و انگیزه های حضور در محیط می داند.
	آلتمن (۱۳۸۲): (۱۳۸)	منظور از عوامل جغرافیایی، ویژگی هایی مانند اندازه، وسعت و مکان قلمرو می باشد که به نوعی بر فعالیت در هر قلمرو تأثیر گذار است.
عامل زمان	عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)	معمولاً قلمروها با دو جنبه مهم تر که یکی مرز هر قلمرو با قلمروهای مجاور و دیگری مرکز هر قلمرو است، تعریف می شوند. عوامل فرهنگی نیز از دسته عواملی هستند که تا حدی با عوامل اجتماعی مربوط بوده و به هویت فرهنگی، آداب و رسوم و یا اعتقادات و باورها می پردازند.
	آلتمن (۱۳۸۲): (۱۳۸)	یکی از مهمترین معیارها برای دسته بندی قلمروها که می تواند بر سایر عوامل سیطره افکند، مدت و زمان استفاده از قلمرو ها می باشد. از جهت دیگر مدت زمان استفاده از قلمرو بر ماهیت آن نیز تأثیر می گذارد؛ به گونه ای که می توان برخی از قلمروها را موقتی تر (مثل صندلی اتوبوس) و برخی دیگر را دائمی تر (مثل خانه) دانست.
	لنگ (۱۳۸۳): (۱۷۰)	قلمرو ها را می توان به دو دسته ی قلمروهای فضایی موقت و دائمی تقسیم کرد که معمولاً قلمروهای فضایی موقت شخصی سازی نمی شوند.

طبق پژوهش عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰: ۲۰) بخشی از عوامل شش گانه (کالبدی، کارکردی، اجتماعی و ادراکی - روانی، جغرافیایی - فرهنگی و زمان) موثر بر شکل گیری مفهوم قلمرو، بیشتر به فضای عینی و بخشی به فضای ذهنی مربوط اند. نحوه تأثیر تمامی این عوامل یکسان نیست؛ عامل جغرافیایی - فرهنگی به صورت بستر دیگر عوامل عمل نموده و زمان نیز نه تنها به واسطه مدت زمان استقرار قلمرو بیشترین تأثیر را دارد، بلکه خود به صورت یک بستر، بر دیگر عوامل موثر است. در نهایت مدل زیر (شکل ۱) را معرفی می کند.



شکل ۱: مدل پیشنهادی عوامل مؤثر بر شکل گیری مفهوم قلمرو (عینی فر و آقالطیفی، ۱۳۹۱، ۲۰)

نظام قلمروهای انسانی

با وجود اینکه مفهوم قلمرو در شرایط متفاوت ابعاد ثابت و دقیقی ندارد، تلاش های متعددی صورت گرفته است که گونه های مختلف قلمرو را شناسایی نماید (عینی فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰). یکی از اساسی ترین گام ها در تشخیص انواع قلمرو، توجه به عرصه بندی در محیط های مسکونی است که همانند دیگر پدیده ها از سلسله مراتب خاصی پیروی می کند. تعریف چنین سلسله مراتبی به علت مطرح شدن حریم ها و حفظ آن ها از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. در ادامه تقسیم بندی های متفاوتی از عرصه بندی ها ارائه می شود.

الکساندر و چرمایف در یک تقسیم بندی، سلسله مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده اند (همان). چنین تقسیم بندی را می توان به صورتی کلی تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی معرفی نمود (بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۷). داگلاس پورتیوس سه مقیاس فضایی را در درون هم تعریف کرده است، این مقیاس ها به ترتیب بزرگ می شوند؛ مقیاس اول فضای شخصی است. به عقیده ی وی در اطراف هر فرد محدوده هایی غیر قابل رویت وجود دارد که هیچ مزاحمی به آن راه ندارد؛ مقیاس بعدی، فضای متکی به خانه است که همواره از آن دفاع می شود و شامل فضاهای کار، مسکن و محله است و مقیاس آخر، فضای دردسترس خانه می باشد که مکان رفتاری زندگی فرد است (لنگ، ۱۳۹۱).

لایمن و اسکات نیز دو نوع قلمرو، یعنی قلمرو «خانه» و «تعاملی» را معرفی کرده اند که در این دسته بندی استفاده کنندگان معمول قلمرو خانه می توانند در هر زمان به آن دسترسی داشته باشند و حق نظارت بر استفاده ی دیگران از آن را دارند (آلتمن، ۱۳۸۲). قلمرو تعاملی نیز در سطح بعد از قلمرو خانه قرار می گیرد.

حسین الشراوی برای ساختن مدلی که به طور مستقیم به طراحی محیط ربط داشته باشد، چهارگونه قلمرو مکانی تحت عنوان، قلمرو پیوسته، مرکزی، حامی، پیرامونی تعریف کرده است. قلمرو پیوسته «حبابی فضایی» متعلق به فرد است. قلمروهای مرکزی مکان هایی چون خانه، اتاق دانشجو، فضای کار شخصی هستند، که شخص نسبت به آن مالکیت و نظارت دارد. قلمرو های حامی به دو دسته ی فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی تقسیم می شوند. فضاهای خصوصی که بر آن ها مالکیت وجود دارد مانند: نشیمن عمومی خوابگاه ها و مثل ایوان جلویی خانه ها و فضاهای نیمه عمومی که افراد مالک آن نیستند ولی آن را متعلق به خود می دانند مانند: مغازه های محلی و پیاده روی جلوی خانه ها. قلمروهای پیرامونی همان فضاهای عمومی اند. این قلمروها مکان هایی هستند که می تواند مورد استفاده همه ی افراد و گروه ها قرار گیرند ولی کسی مالک آن ها نیست. زیرا قلمروهای

پیرامونی فضایی عمومی هستند که شخصی نمی شوند و کسی نسبت به آن ها ادعای مالکیت ندارد. ساماندهی محیط کالبدی به اداراک مردم از نوع فضا تأثیر گذار است. این ادراکات در فرهنگ های مختلف تفاوت دارد (لنگ، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب ارائه شده، پژوهشگران انواع قلمرو را بر مبنای سلسله مراتب دسترسی، مقیاس و یا مفاهیم مرتبط، مشخص می کنند (عینی فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰). آلتمن نیز با در نظر گرفتن این عوامل دسته بندی جامعی از قلمرو را به ترتیب زیر ارائه کرده است، که در این طبقه بندی در درجه اول به میزان نقش و اهمیت قلمرو برای فرد و گروه و نزدیکی آن به زندگی روزمره افراد اشاره دارد و بعد دوم این طبقه بندی طول عمر یا دوام قلمروها (زمان مورد استفاده از قلمرو) ملاک قرار گرفته است (آلتمن، ۱۳۸۲).

قلمرو اولیه

قلمروهای اولیه تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است، دیگران نیز آن ها را مالک این قلمروها می شناسند، به شکل دائمی تحت اختیار افراد هستند، و این قلمروها در زندگی روزمره ی آن ها نقشی اساسی دارد. براور (۱۹۶۵) این نوع قلمرو را قلمرو شخصی می داند و نمونه آن را خانه می داند. در این نوع قلمرو هویت مالک آن آشکار است، تجاوز یا ورود غیر مجاز دیگران مسئله ای جدی شمرده می شود، و نظارت بر ورود دیگران ارزش بسیاری دارد (آلتمن، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر از آنجا که این قلمرو به فرد یا یک گروه خاص تعلق دارد بیشتر مربوط به زندگی روزمره بوده و نیاز به کنترل مداوم دارند. مانند خانه ها، اتاق های خواب و فضاهایی که برای ساکنین یا کاربران از اهمیت بالایی برخوردارند (Gifford, 1987).

قلمرو ثانویه

قلمرو ثانویه کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه های ثانویه در جامعه شناسی است (آلتمن، ۱۳۸۲). استفاده کنندگان قلمروهای ثانویه همیشه ثابت نیستند و کاربران آن می توانند در گذر زمان تغییر کنند. این قلمروها نسبت به قلمروهای اولیه از اهمیت کمتری برخوردارند، انعطاف پذیر هستند و قابلیت به اشتراک گذاشتن و تغییر را دارند، اما نسبت به آن ها حساس هستیم (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱). به عبارتی قلمرو ثانویه پلی میان قلمرو نخستین (که فرد در آن ها نظارت کامل و تام و گسترده دارد) و قلمرو عمومی (که تقریباً همگان می توانند از آن استفاده کنند) می باشد. به دلیل اینکه این قلمرو ها نه عمومی هستند و نه خصوصی به شمار می آیند، در مسئله نظارت و مالکیت شان ابهام وجود دارد، که احتمال عدم تشخیص درست و تضاد و تقابل در چنین قلمرویی بیشتر است. به علاوه، در این نوع قلمروها بیشتر از رفتارهای نظارت بر خلوت استفاده می گردد، زیرا افراد باید برای ارتباط مناسب با دیگران به طور مداوم مرزهای پیرامون خود را تنظیم کنند. همچنین این مفهوم، فضای نیمه خصوصی و نیمه عمومی الکساندر، فضای حامی الشراکوی را نیز در خود جای داده است (عینی فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰).

قلمرو عمومی

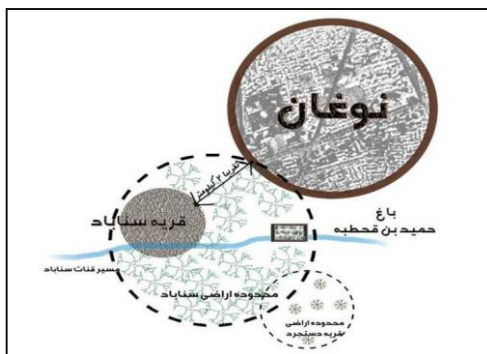
قلمرو عمومی، قلمرویی کاملاً موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی و حق استفاده از آن را دارد. این نوع قلمرو را قلمرو آزاد، قلمرو اختیاری و قلمرو موقتی نیز نامیده اند. لایمن و اسکات (۱۹۶۷) نیز اینگونه قلمرو عمومی را توضیح داده اند که محدوده هایی که فرد در آن می تواند رفت و آمد کند، اما الزاماً حق انجام کاری ندارد. این مناطق در دسترس همگان می باشد اما روش استفاده از آن ها را قانون و عرف و مقررات تعیین می کند و دسترسی و برداشت ها و انتظاراتی مثل رفتار مناسب و محترمانه آزادی را در آن ها محدود می کند. استفاده از این قلمروها نیز زمان محدودی دارد (آلتمن، ۱۳۸۲).

به طور کلی در این قسمت به توضیح ۳ نوع قلمرو پرداخته شد که دو عامل میزان نظارت و زمان نسبی استفاده سبب تفاوت آن ها از یکدیگر است. قلمرو اولیه معمولاً تحت نظارت نسبتاً کامل استفاده کنندگان برای مدتی طولانی است و نقشی حیاتی در زندگی آن ها ایفا می کند. قلمرو ثانویه نیز برای مدت طولانی تحت مالکیت فرد است، اما دیگران نیز به آن دسترسی دارند و بعضی از فضاهای آن مشترک است، در واقع تنها تحت مالکیت یک نفر نیست. قلمرو عمومی نسبتاً موقتی می باشد و تا وقتی که رفتارهای فرد را عرف و هنجارهای اجتماعی تعیین می کند، در دسترس همگان است (همان). طبق نظر آلتمن مسئله ی مهم در این مورد نوع طراحی قلمروهاست به گونه ای که افراد بتوانند اولیه، ثانویه و عمومی بودن آن را تشخیص دهند و استفاده

کنندگان به اندازه ی دلخواه بر مکان نظارت داشته باشند. همچنین لازم است که میان این قلمروهای فضایی به روشنی تفکیک شده و به راحتی از یکدیگر قابل تشخیص باشند. در این صورت فضاهای نیمه عمومی و عمومی به روشنی تعریف شده و نظارت بر آن ها نیز راحت تر خواهد بود، زیرا افراد، آن ها را بخشی از سلسله مراتب قلمروی خود خواهند دانست (Newman, 1996). در نهایت می توان گفت که قلمروگرایی در ما انسان ها تمایلی کاملاً طبیعی می باشد که از طریق آن می توانیم محدوده ی شخصی، نیمه عمومی و عمومی را تعریف کرده و مرزهای قلمرو خود را به دیگران اعلام کنیم. همچنین از این طریق امکان نظارت و کنترل فضاهای خود را مشخص می نماییم. در این میان، طراحی باید با نیازها و تمایلات قلمروگرایانه افراد تطابق داشته باشد، تا نه تنها نیاز آن ها به خلوت را تأمین کند، بلکه به صاحبان قلمرو احساس استقلال، هویت و حتی امنیت بیشتری اعطا کند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱). بنابراین می توان دریافت که قلمرو مفهومی پیچیده است، معنای ثابتی ندارد و در عرصه های گوناگون محیط زندگی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار می گیرد (بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۷).

محلۀ ی نوغان

شهر مشهد در قرون اولیه اسلامی از تلفیق شهر باستانی نوغان و روستای همجوارش، سناباد به وجود آمده است (شکل ۲). این محل در ابتدا به صورت مجموعه ای از آبادی های همجوار به مرکزیت نوغان به عنوان مرکز ولایت توس به حیات خود ادامه داد تا اینکه سرانجام دو واقعه ی مهم (درگذشت هارون الرشید و شهادت امام رضا علیه السلام و آرمیدن پیکره مقدس آن امام همام در باغ حمیدبن قحطبه توسی (نزدیکی نوغان) سبب شکل گیری مشهدالرضا شد. با در پیوستن مشهد و نوغان به هم، تنها نام مشهد شهرت یافت در حالی که کالبد و نام نوغان در جوار مشهد تا امروز و به مدت هزار و دویست سال به حیات خود ادامه داد (سیدی فرخ، ۱۳۹۲).



شکل ۲: موقعیت نوغان و سناباد در قرون اولیه اسلام (سیدی فرخ، ۱۳۹۲)

نوغان فعلی که بازمانده بافت اصلی و قدیم است در شمال شرق مشهد قرار دارد و یکی از مهمترین محله های مشهد را تشکیل می دهد و با وجود این که به علت مرور زمان تغییرات زیادی در آن روی داده است هنوز آثار بسیاری در این محله کهن باقی مانده است و به خوبی می توان بقایای آداب و رسوم و لهجه و لباس و غذاهای قدیم نوغان را در آنجا ملاحظه کرد و هنوز بناهای قدیم و آب انبارها و دالانهای تنگ و تاریک و خانه های با حیاط پایین تر از سطح کوچه با شیشه های رنگین در محله نوغان وجود دارد و اسم قدیمی کوچه ها کم و بیش از دستبرد نوآوری در امان مانده است.

این محله به دلیل مجاورت مجموعه حرم مطهر امام رضا (ع) از یک سو و سالم ماندن بخش اعظمی از بافت قدیمی محله و زنده بودن ساختار اصلی آن از سوی دیگر، در حال حاضر هنوز هم به عنوان یکی از پویاترین بخش های شهری بافت کهن مشهد به شکل قابل توجهی، مطرح است. امروزه محله ی نوغان در محدوده ی بافت فرسوده ی پیرامون حرم مطهر و مشمول طرح بهسازی نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر بوده و از این رو از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد. این محله در شمال غربی حرم

مطهر و در قطاع ۲ قرار گرفته است (شکل ۳) که با مساحتی حدود ۱۲۴ هکتار، حدود ۳۶ درصد از مساحت ۴ قطاع را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که کمترین میزان نسبی مداخله در زمینه نوسازی و بازسازی بافت فرسوده اطراف حرم مطهر، مربوط به این قطاع می باشد از این رو می توان با توجه به اینکه این محله دارای ارزش تاریخی نیز می باشد در جهت بهبود بافت و به خصوص وضعیت کالبدی مسکن مطالعات دقیق تری انجام داد و راهکارهایی ارائه کرد (اسحاقیان و همکاران، ۱۳۹۱).



شکل ۳: تقسیم بندی قطاع های محدوده طرح نوسازی و بهسازی
بافت پیرامون حرم مطهر (www.maskansamen.ir)

از ویژگی های تأثیر گذار در این محله، حضور شبانه روزی زائران در بافت و اسکان آن ها در خانه های ساکنین می باشد. این ویژگی که از گذشته تا امروز در بافت وجود دارد، سبب نوع خاصی از زندگی و تعاملات شده است که هم اکنون با توجه به اجرای طرح بهسازی و نوسازی پیرامون حرم مطهر و بازآفرینی دوباره ی بافت، دستخوش تغییرات شده است. زندگی همزمان ساکنین با سابقه ی سکونتی بالغ بر ۵۰ سال در کنار زائرینی با فرهنگ، آداب و رسوم و بعضاً ملیت متفاوت در یک منزل مسکونی، سبب بررسی درک نظام قلمروهای انسانی در این محله گردید تا با توجه به نتایج آن به ارائه ی پیشنهادهایی پرداخته شود که در بازآفرینی بافت مورد توجه قرار گیرد. در ادامه با توجه به ضرورت شناخت زائرین ابتدا توضیحی در ارتباط با انواع زائرانی که به مشهد می آیند ارائه می شود و سپس یافته های پژوهش شرح داده می شود.

تیپ بندی زائرین

با توجه به پژوهش نودهی و همکاران (۱۳۹۴: ۲۱۰-۲۰۶) زائرینی که به مشهد مشرف می شوند در چهار دسته قرار می گیرند. دسته ی اول زائر خوشگذران هستند؛ مهمترین تفکیکی که می توان میان تیپ های زائران قائل شد مربوط به انگیزه های آن ها در سفر به مشهد است. یکی از اصلی ترین انگیزه های این گروه "حال و هوا عوض کردن" بوده است که این انگیزه متضمن پرداختن به کنش های خاصی مانند بازدید از اماکن تاریخی است که می توان آن ها را فعالیت هایی گردشگرانه تلقی کرد. طبیعتاً از آنجایی که این افراد زائر هستند، خالی از انگیزه های زیارتی نیستند. با این حال انگیزه های خوش گذرانی مسلط است. میزان زیارت رفتن در این تیپ با تفریح رفتن برابری می کند و عموماً الویتی به زیارت رفتن داده نشده است. این تیپ به لحاظ مادی تر بودن، نوعی حساسگری است که در آن فرد به دنبال زیارت آسان تر، کم هزینه تر و تفریحی تر است. دسته ی دوم زائر در حال گذار است. این تیپ تنها انگیزه ی خود را از سفر به مشهد زیارت اعلام می کند. تفکیکی جدی میان تجربه ی اول زیارت خود با سایر تجربه ها قائل است. به نظر می رسد نوعی دلبستگی عاطفی شدید در زیارت اول فرد به وجود



آمده است. همچنین توجه ویژه ای به نمادهای دینی و زیارتی مانند تبرک جستن، دست زدن به ضریح و ... دارد که حاکی از ذهن درگیر وی با اینگونه مسائل است. به طور کلی می توان گفت این تیپ زیارت را نوعی ارتباط درونی غیر قابل وصف می داند که به تخلیه روانی آدمی منجر می شود. این تیپ در همه ی زمینه ها بسیار به آداب زیارت آگاه است، اما به انجام این آداب به صورت حداکثری معتقد نیست.

دسته ی سوم زائر مناسک گرا است؛ این زائر فقط به قصد زیارت آمده و در بازه ی زمانی اقامت در مشهد، جز زیارت به کار دیگری مشغول نمی شود. خرید این فرد از بازارهای نزدیک حرم خلاصه می شود، چرا که مایل به دور شدن از حرم نبوده است (به احتمال زیاد دلیل اقتصادی در کار نیست). به نظر می رسد این خرید هم بیشتر تحت تأثیر توقعی است که اطرافیان از مسافران مشهد دارند. همچنین در انتخاب محل اسکان، ارزان قیمت بودن و با همشهری ها بودن برایش مهم است. پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایینی دارد و سنش بالاست. زیارت این تیپ از زائران هر روزه و به طور تمام وقت است. مدت اقامت اغلب این نوع زائران در مشهد طولانی و گاه نزدیک به یک ماه است و تقریباً تمام مدت اقامت خود را در حرم و اماکن متبرکه می گذرانند. علاوه بر این تعداد دفعات سالانه سفر این دسته از افراد به مشهد اغلب به صورت چند بار در سال صورت می گیرد.

دسته ی چهارم زائر وجودی است. این دسته از زائران برای رفع حاجات و التزامات دینی و فشارهای اجتماعی دیگران به زیارت نمی آیند. زیارت او از روی دل است: مفهوم "از روی دل بودن" آنقدر برای او گسترده می شود که به زیارت خصلتی فرامگانی می بخشد و همه ی زندگی او را تحت شعاع قرا می دهد، به نحوی که خود را زائر خدا می داند. بخش عمده ای از توصیف او از زیارت، به خدمت کردن به دیگران و مفید بودن برای خلق خدا بر می گردد: "دستی برای خدا روی زمین"، ایفای نقش خدا از طرف او. بخشی از خدمت او به مردم، به خاطر حس تشکر و سپاس از امام (رضاع) است. با وجود فرامگانی بودن زیارت، مفهوم استطاعت او را به مشهد می کشاند. در عین حال کسی او را به این گونه بودن تشویق یا ملزم نمی کند بلکه اشتیاقی درونی او را به این سمت می کشاند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است و متغیر آن کیفی می باشد و رویه ی عملی آن استفاده از پرسشنامه باز و مشاهده است. برای بررسی نظام قلمروهای انسانی در محله ی نوغان، از روش پرسشنامه و مشاهده استفاده شده است؛ با توجه به هدف پژوهش، مخاطب این تحقیق، ساکنین و زائرین ساکن در محله ی نوغان بودند که به علت تفاوت مفهوم قلمرو برای زائرین و ساکنین (به دلیل وابسته بودن به عوامل فرهنگی و اجتماعی و زمان) این دو گروه جدا شده و در این مقاله نتایج زائرین ارائه می گردد. در پیمایش انجام گرفته، ۲۰ عدد پرسشنامه باز (سوالات تشریحی) در بین زائرین محله ی نوغان بررسی گردید. سوالات پرسش نامه به بررسی درک زائرین بافت از نظام های قلمرو انسانی، پرداخته است. برای روایی پرسشنامه (بررسی صحت و درستی سوال ها)، قبل از انجام پیمایش تعدادی پرسشنامه در بین افراد پخش گردید. با توجه به نتایج پایلوت، برای افزایش دقت در پیمایش، اطلاعات توسط پژوهشگر وارد گردیده است. همچنین برای بررسی میزان اعتبار پژوهش انجام شده (پایایی)، با توجه به کیفی بودن متغیر و طبق نظر یین، از چند روش به صورت همزمان استفاده شد. برای این منظور همزمان از روش پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده گردید. که در تمامی روش ها نتایج بدست آمده مشابه و نزدیک به هم ارزیابی گردید. در ادامه نتایج بدست آمده پژوهش در سه دسته ی قلمرو اولیه، ثانویه و عمومی ارائه شده است.

یافته ها

برای بررسی قلمرو اولیه، حد و مرز حضور سایرین در محل اقامت و مکان شکل گیری فضای خصوصی زائرین پرسیده شد؛ در واقع از آن ها خواسته شد تا محدوده ی قلمرو اولیه خود را با ذکر مکان بیان کنند. ۹۵ درصد اعلام کردند که صاحبخانه و یا دیگر زائرین تا آستانه ی ورودی محل اقامتشان امکان رفت و آمد دارند و تنها ۵ درصد اعلام کردند که تمامی فضاهایشان با سایر زائرین به صورت تفکیک (زنانه و مردانه) مشترک است. همچنین فضای خصوصی ۴۰ درصد از زائرین از آستانه ی ورودی محل

اقامتشان شکل می گیرد و برای ۴۰ درصد نیز فضاهای داخلی محل اقامتشان است و ۲۰ درصد نیز اعلام کرده اند که فضای خصوصی در محل اقامت خود ندارند. نکته ی جالب توجه که در مشاهدات میدانی دیده شد این بود که، به رغم اعلام زائرین که هیچ فرد غریبه ای از دم در حق وارد شدن ندارد، اکثر افراد در هنگام پر کردن پرسشنامه، پژوهشگر را به داخل فضای اقامتشان دعوت می کردند. به گونه ای که تمامی فضاهای خصوصی (با توجه به اظهار خودشان) قابل دیدن بود؛ در واقع آنقدر تعصب وجود نداشت که مانع از دیده شدن محل اقامتشان، توسط افراد غریبه شود. این نکته قابل برداشت است که این فضاها برای افراد حکم فضای خصوصی را ندارد، بلکه می توان از آن به فضای نیمه خصوصی یا حتی نیمه عمومی یاد کرد.

برای بررسی درک زائرین از قلمرو ثانویه، از آن ها راجع به درک زائرین از "احساس فضای خود" سوال پرسیده شد. اکثر افراد با توجه به نشانه ها و نقاط شاخص محله که برای خود تعیین کرده اند، فضای خود را احساس می کنند. این نشانه ها از سطح ریز مانند یک ساختمان در نزدیک محل اقامت خود و یا کوچه ی فضای خود فراتر می رود و تا نام خیابان و میدانی بزرگ را در بر می گیرد. بعضی از این نشانه ها کاملاً منطبق با محیط زندگی افراد نیست و محله های مجاور را شامل می شوند. همچنین در ادامه برای بررسی بهتر قلمرو ثانویه از زائرین خواسته شد تا اعلام کنند که کدام فضاهایشان با سایرین (ساکنین) مشترک است و اینکه علاقه مند به داشتن چه نوع فضای مشترکی هستند. در واقع با توجه به زندگی همزمان زائرین با ساکنین در یک منزل، نیاز به بررسی این بود چه فضاهایی و به چه میزان اشتراک وجود دارد. در تمامی موارد در ورودی منزل، راهرو و فیلتر اتاق خواب ها مشترک بودند، تنها در ۵ درصد علاوه بر این موارد سایر موارد مانند سرویس ها، اتاق خواب و تمامی فضاهایشان با سایر زائرین مشترک بود. یکی از پیشنهادهای زائرین برای قلمرو ثانویه، بهبود تفکیک فضایی برای هر خانوار می باشد. به طور کلی با توجه به اینکه فضای اقامت زائرین به صورت موقت و برای چند روز است اما افراد در آن علاقه مند به تفکیک مناسب می باشند. با توجه به تحلیل ها و مشاهدات صورت گرفته در بافت، می توان گفت که قلمرو ثانویه در این محله به علت حضور همزمان زائر و مجاور، ماهیتی دو گانه به خود گرفته است. که حضور همزمان این دو دسته مخاطب، افراد را ناچار به مرزبندی دقیق تری کرده است. این مرز بندی سبب شده که قلمرو ثانویه در این محله به دو بخش فضای نیمه عمومی و نیمه خصوصی تقسیم می گردد. درک هر یک از این فضاها با توجه به مخاطب آن متفاوت است.

با توجه به تفکیک محلات توسط شهرداری در سال ۱۳۹۲، قطاع ۲ شامل دو محله به نام های محله نوغان و بالا خیابان تقسیم می شود (سایت شهرداری). این محلات شامل کوچه هایی به نام های دریا دل، حمام باغ، سردار، بختیاری ها، حمام باتولیه، آب میرزا، طپ المحله و ... است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴). در این قسمت برای بررسی درک قلمرو عمومی از منظر زائرین، از آنها پرسیده شد که "نام محله ی شما چیست؟"، اکثریت زائرین درک درستی از محله ی اقامت خود نداشتند. ۳۰ درصد نام محله را نادرست ذکر کرده اند و ۴۵ درصد نیز اظهار بی اطلاعی کرده اند و تنها ۲۵ درصد به نام نوغان و کوچه ی نوغان ۴ اشاره کرده اند. همچنین برای بررسی بیشتر درک قلمرو عمومی زائرین، از آن ها خواسته شد تا اعلام کنند "که تا کجا احساس می کنند که همین محله است؟" از این میان، ۲۰ درصد تا حرم محله ی مورد اقامتشان را احساس می کنند، ۳۰ درصد تا میدان طبرسی (نزدیک ترین خیابان اصلی به محل پژوهش) و ۴۵ درصد تا نزدیکی محل اقامتشان را محله ی خود می دانستند و ۵ درصد اظهار بی اطلاعی کرد. در واقع زائرین درک کمتری از محله داشتند. بنابراین می توان اعلام کرد که طول مدت اقامت در درک افراد از محیط اطراف خود بسیار تأثیر گذار است. در ادامه برای بررسی محدوده ی تأثیر گذاری حرم مطهر امام رضا (ع) بر ادراک زائرین از آن ها پرسیده شد "که از کجا حرم را حس می کنید؟" ۲۵ درصد از زائرین از زمانی که عازم مشهد می شوند، حرم را احساس می کنند. همچنین ۲۰ درصد از ورودی شهر مشهد، ۲۰ درصد از میدان طبرسی، ۲۰ درصد نیز از اولین مکانی که حرم را ببینند و ۱۵ درصد هم از محدوده ی پیرامون حرم مطهر، آن را احساس می کنند. بنابراین نزدیک به نیمی از زائرین شهر مشهد را به عنوان نماد امام رضا (ع) می دانند، احساس حرم برای ۴۰ درصد هم مشروط به دیدن آن است. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت که هر چه مدت اقامت افراد در یک مکان کمتر می شود، بر احساس آن ها از حرم تأثیر می گذارد، به گونه ای که زائران از محل اقامت خود حرم را حس نمی کنند و در اکثر موارد احساس حرم برای زائران وسیع تر (از

چند صد کیلومتر دورتر) شروع می شود. در ادامه از زائرین راجع به تعداد تشریف و مسیرهای تشریف به حرم مطهر امام رضا(ع) پرسیده شد. تمامی زائرین حداقل روزی ۲ بار و حداکثر روزی ۳ بار به حرم مشرف می شوند و در اکثر موارد تمام طول روز را در حرم مطهر هستند. و تنها برای استراحت و صرف غذا برمی گردند. همچنین مسیرهای تشریف آن ها عبارتند از: ۳۵ درصد از طبرسی، ۲۰ درصد از شیرازی، ۴۵ درصد از کوچه های فرعی (به علت نزدیکی راه). بنابراین اکثریت زائران بیشتر وقت خود را در حرم می گذرانند. طبق انطباق این سوال با سوال پیش و تحلیل آن ها می توان گفت و ۳۵ درصد از زائرین از همان محلی که حرم را حس می کنند به حرم می روند.

بحث و نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی مفهوم قلمرو برای زائرین ساکن در محله ی نوغان «در بافت مسکونی پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع)»، شکل گرفته است. بدین منظور با توجه به مبانی نظری ارائه شده، می توان گفت که قلمرو یکی از راهکارهای نظارت بر مرز میان خود و دیگران و ابزاری برای رسیدن به خلوت دلخواه است. عوامل تأثیر گذار بر قلمرو عبارتند از: عوامل اجتماعی، عوامل ادراکی-روانی، عوامل کالبدی، عوامل کارکردی، عوامل جغرافیایی-فرهنگی و عامل زمان. همچنین این مفهوم دارای نظام های انسانی از قبیل قلمرو اولیه، قلمرو ثانویه و قلمرو عمومی می باشد، که با توجه به هدف پژوهش، به بررسی این نظام های انسانی از طریق پرسشنامه و مشاهده، در محله ی نوغان پرداخته شد. محله ی نوغان که قدمتی باستانی دارد، در طرح بهسازی و نوسازی پیرامون حرم مطهر واقع شده است و در پی اجرای چندین ساله ی این طرح بخش عظیمی از آن از بین رفته است. این پژوهش به سبب بررسی نوع زندگی ساکنین و زائرین موجود در آن محله گردآوری شده است تا بازآفرینی بافت با توجه به آن صورت پذیرد و هویت آن حفظ گردد.

نتایج این پژوهش بیانگر آن است که زائرین موجود در بافت، فضایی با عنوان "فضای خصوصی" ندارند و قلمرو اولیه ی آن ها دربرگیرنده ی فضای نیمه خصوصی یا نیمه عمومی است. همچنین به سبب اقامت زائرین در کنار ساکنین در یک منزل مسکونی قلمرو اولیه محدود شده و قلمرو ثانویه ماهیتی دوگانه و سیال به خود گرفته که کمتر با ابعاد کالبدی تفکیک شده و بیشتر مربوط به ابعاد ادراکی-روانی می باشد و ادراک این فضا با توجه به نوع مخاطب آن متفاوت است. در بخش قلمرو عمومی اکثر زائرین به علت کوتاه بودن مدت اقامت و ناخوانا بودن محله (به علت تخریب) درک درستی نسبت به آن نداشتند. همچنین به نظر می رسد زائرینی که بیشتر مخاطب این محله هستند با توجه به دسته بندی ارائه شده برای زائرین، در دسته ی مناسب قرار می گیرند. در نهایت با توجه به اهمیت دسته بندی قلمرو و تیپ بندی زائران ساکن در این محله، می توان در محله هایی مشابه محله ی نوغان، پیشنهاد داد که نظام طراحی قلمرو در این محلات به گونه ای باشد که کالبد، پشتیبانی لازم از این نظام قلمرویی را داشته باشد.



منابع

- آلتمن، ایروین، ۱۳۸۲، محیط و رفتارهای اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- احمدی، فرزانه و افشار، علی و آقالتیفی، آزاده، نظام قلمروهای انسانی موجود در بافت شهری پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) (محلہ ی نوغان)، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و زیر ساخت های شهری، مرداد ۱۳۹۴
- اسحاقیان، فرانک و حسنی، عاطفه و سید الحسینی، سید مسلم، ارزیابی طرح بهسازی و نوسازی قطاع ۲ بافت پیرامون حرم مطهر با تاکید بر حوزه کالبدی- عملکردی، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری مشهد، ۱۳۹۱
- امیر احمدی، رحمت الله، پیشینه تاریخی- اجتماعی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع). مشهد: سازمان مجری طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی(مرکز اسناد و پژوهش ها)، ۱۳۸۹
- بحرینی، سید حسین و تاج بخش، گلناز، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶، ۱۳۷۷، ۳۱-۱۸
- بنتلی، ای و همکاران. محیط های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۵
- پاکزاد، جهانشاه و بزرگ، حمیده، ۱۳۹۱، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر
- راپاپورت، آموس، ابداع معماری؛ از غار تا شهر، فصلنامه آبادی، شماره ۳۰، ۱۳۸۲، ۱۱-۴
- سیدی فرخند، سید مهدی، ۱۳۹۲، نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، انتشارات مرکز پژوهشهای شورای اسلامی شهر مشهد
- عینی فر، علیرضا و آقالتیفی، آزاده، مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی؛ مطالعه ی مقیاسی دو مجموعه ی مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۷، ۱۳۹۰، ۲۸-۱۷
- فرهنگ دهخدا، ذیل واژه قلمرو
- لاوسون، برایان، ۱۳۹۱، زبان فضا، مترجم علی رضا عینی فر و فواد کریمیان، انتشارات دانشگاه تهران
- لنگ، جان، ۱۳۹۱، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران
- مک اندرو، ف. روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، انتشارات زریاف اصل، ۱۳۸۷
- نودهی، فرامرز و بهروان، حسین و یوسفی، علی و محمد پور، احمد، فراسوی دوگانه ی زائر-گردشگر گونه شناسی تجربه سفر زائران مرقد منور امام رضا(ع)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۹۴، ۲۱۷-۱۹۳

Webster Dictionary, 1977, 1884.

Gifford, Robert. (1987). Environmental psychology; principles and practice, University of Victoria

Newman, Oscar. (1996). Creating defensible space, Institute for community design analysis